



ضربه کاری وزارت اطلاعات به شبکه تروریستی موساد

مدیرکل ضدجاسوسی وزارت اطلاعات خیرداد بارصد وکنترل اطلاعاتی خارج از مرزها و اقدامات گسترده اطلاعاتی - عملیاتی سربازان گمنام امام‌زمان (عج)، اعضای شبکه‌ای از عوامل سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی(موساد) به همراه محموله سنگین سلاح و مهمات پس از ورود از مبادی مرزی غرب کشور دستگیر شدند.



چندی پیش اسحاق جهانگیری، مرد شماره‌یک اقتصادی دولت روحانی در پاسخ به اعتراض‌های مردم خوزستان نسبت به ظلمی که در حق آنها صورت گرفته، لب به اعتراف گشود و گفت: «به عنوان کسی که همه عمر خود را در توسعه سپری کرده‌ام، باید بگویم توسعه‌ای که ما اجرا کردیم، متأسفانه عوارضی خود را اینچنین نشان داده است. باید توسعه با رضایت مردم باشد و وقتی مردم نفع می‌برند که تبعیض، بی‌عدالتی و نابرابری را از توسعه متوجه نشوند،» برای بررسی ریشه‌های تاریخی و گفتمانی توسعه در ایران قبل و بعداز انقلاب، سراغ‌شهریار زرشناس، کارشناس سیاسی و اقتصادی رفته‌ایم که مشروح این گفت و گو در ادامه آمده است:



امین صبحی

دبیرسیاسی

«؟ باتوجه به مطرح‌شدن بحث توسعه‌و رویکردهای آن در دولت‌های پس از انقلاب، تحلیل خود را از ریشه‌های توسعه و زمان آغاز آن در ایران بفرمایید.

موضوع توسعه در ایران و تئوری‌های مربوط به این بحث، تلخ و البته طولانی است که به زمان تسلط شبه مدرنیته در ایران برمی‌گردد که ساخت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلاسیک ما را از بین می‌برد و پس از آن وارد عرصه تجددمآبی می‌شویم. در همان زمان که غرب مدرن یک نظام جهانی درست می‌کند و جهانی شدن آن هم به اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ برمی‌گردد، حدود هشت کشور اصلی سرمایه‌داری به همه کشورهای جهان دست می‌اندازند تا مراتب مدرنیته را اجرایی کنند، چراکه نظام جهانی ساخته شده توسط آنها بر پایه اقتصاد، سیاست و فرهنگ مدرن بود و از این رو یک نظام جهانی دولایه درست کردند که یک لایه شامل خود آنها به عنوان ارباب دنیا بود و لایه دیگر کشورهای پیرامونی بود. این کشورها قصد داشتند منابع طبیعی کشورهای اطراف را غارت و کشورهای دیگر را استثمار و به کشورهای مصرف کننده بدل کنند. کشورهای رأس این نظام جهانی در اواخر قرن ۱۹ شامل انگلستان، فرانسه، آمریکا و آلمان بود.

«؟ نسبت ایران با این کشورهای نظام جهانی پیش از انقلاب چگونه بود؟

ماجرای ایران نیز این چنین است، یعنی از اوایل قرن ۱۹ و در زمان قاجاریه، نظام سلطه سراغ ایران می‌آید و می‌خواهد به‌تدریج ما را وارد سیستم نظام جهانی کند. از این رو جریاناتی از مدرنیته را به صورت مصنوعی و خلاف جریان طبیعی تاریخ در ایران اعمال و کشورمان را وارد عصر تجددمآبی و مدرنیته کردند.

«؟ رژیم پهلوی را آوردند تا پروژه شبه مدرنیزاسیون را در ایران اجرا کنند

اما شروع مدرنیته به صورت غیرسیستماتیک و تدریجی از عصر ناصری با روی کار آمدن رژیم پهلوی بود، یعنی آنها رژیم پهلوی را برسرکار آوردند تا پروژه شبه مدرنیزاسیون را در ایران اجرا کند و برای این که این پروژه اجرایی شود، باید ساختار ایران عوض می‌شد. این فرآیند از دوره پهلوی آغاز شد و دوره رضاشاه تحت نوسازی و نوآوری، کار پیش رفت. البته آن زمان که این طرح را اجرا می‌کردند با عنوان برنامه‌های توسعه‌ای نبود اما هدف همان بود و می‌خواستند منافع کشورهای استثماری و امپریالیستی را تأمین کنند. بنابراین در دوران رضاشاه این فرآیند را اجرا کردند، مثلاً راه آهنی که ساخته شد، برخلاف منافع ملی و ساختار توسعه‌ای ایران بود، یعنی به جای این که این خط راه آهن غرب به شرق باشد، از جنوب به شمال کشیده شد.

«؟ به طورمشخص تئوری توسعه از چه زمانی مطرح می‌شود؟

از سال ۱۳۲۷شمسی در زمان پهلوی دوم سازمان

«؟ چندی پیش اسحاق جهانگیری، مرد شماره‌یک اقتصادی دولت روحانی در پاسخ به

اعتراض‌های مردم خوزستان نسبت به ظلمی که در حق آنها صورت گرفته، لب به اعتراف گشود و گفت: «به عنوان کسی که همه عمر خود را در توسعه سپری کرده‌ام، باید بگویم توسعه‌ای که ما اجرا کردیم، متأسفانه عوارضی خود را اینچنین نشان داده است. باید توسعه با رضایت مردم باشد و وقتی مردم نفع می‌برند که تبعیض، بی‌عدالتی و نابرابری را از توسعه متوجه نشوند،» برای بررسی ریشه‌های تاریخی و گفتمانی توسعه در ایران قبل و بعداز انقلاب، سراغ‌شهریار زرشناس، کارشناس سیاسی و اقتصادی رفته‌ایم که مشروح این گفت و گو در ادامه آمده است:

برنامه و بودجه در ایران تاسیس می‌شود. سازمان

برنامه و بودجه را اساساً آمریکایی‌ها طراحی کردند تا به صورت سیستماتیک فرآیند شبه مدرنیزاسیون را در ایران در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیش ببرند.

«؟ فرآیند شبه مدرنیزاسیون در ایران از زمان پهلوی دوم آغاز می‌شود

اوایل که محمدرضاشاه برسرکار می‌آید،شاه‌ضعیف بود چراکه رضاشاه فرار کرده و کشور به‌هم ریخته بود اما وقتی پهلوی دوم به قدرت مطلقه می‌رسد و تحت نظارت آمریکایی‌ها قرار می‌گیرد، فرآیند شبه مدرنیزاسیون در ایران با برنامه‌های عمرانی اول و دوم شروع می‌شود.

تمام این فرآیند یک هدف بیشتر نداشت، آنها می‌خواستند اقتصادهای‌ماقبل مدرن‌وستنی ایران‌را ازبین ببرند،این اقتصادبه‌رغم‌ضعف‌هایی‌که داشت ولی اقتصاد مستقلی بود و استقلال و معاش مردم درمدار وابستگی جهانی قرار بگیرید و تبدیل به بازار مصرف آنها‌شود.البته این اقدام فقط برای ایران نبود، آنها این طرح را در عراق، هند، چین قبل از انقلاب ۱۳۴۹، شیلی، کوبا، آرژانتین، فیلیپین، اندونزی و... اجرا کردند و در واقع این طرح جهانی بود.

در همه کشورهایی که این پروژه را اجرایی کردند، مراتبی از مدرنیته عملیاتی شد اما آنچه اجرا شد، دست و پا شکسته بود در حالی که مدرنیته حاصل تفکر طبیعی تاریخ غرب بود ولی برای هیچ‌کدام از این کشورها طبیعی نبود، بلکه کاملاً تحمیلی بود که به‌صورت آمرانه اجرا شد و با ساختار تاریخی، هویتی، فرهنگی و اقتصادی کاملاً ناسازگار بود.

«؟ باتوجه به ایجاد سرمایه داری پیرامونی وابسته، این نوع اقتصاد سرمایه داری در ایران چه مشکلاتی داشت؟

اولین مشکل این بود که این اقدام در ساختار نامتوازن صورت گرفت، البته فقط این مشکل ایران نبود و در ساختار اقتصادی شیلی، برزیل، آرژانتین و مکزیک نیز همین‌طور بود. آنها ساختار اقتصادی ما را نیز بر اساس وابستگی طراحی کردند. سیستم نامتوازن به این معناست که یک بخش مولد بسیار ضعیف و بخش غیرمولد و مصرف بی‌نهایت بزرگ طراحی شده بود. از سوی دیگر به‌جز یک اقتصاد نامتوازن، که اقتصاد استخراجی نیز ایجاد کردند، یعنی اقتصادی که مبتنی بر اقتصاد منابع طبیعی بود و از این رو منابع طبیعی ما را غارت و تبدیل به سرمایه‌ی در مدارهای نظام جهانی کردند که بخش کمی از آن سرمایه برای ما باقی می‌ماند.

«؟ ذات ساخت اقتصاد شبه‌مدرن در ایران چه ویژگی‌هایی داشت؟

اول، سرمایه دارانه بود. دوم سرمایه داری نامتوازن بود. سوم سرمایه داری وابسته بود. چهارم

اما به دلیل وجود یک تیم تکنوکرات. بروکراتیک که برنامه توسعه را می‌نوشت، تیمی که تحت نگاه و ریاست جمهوری آقای هاشمی مدیران اقتصادی ما شدند، کاملاً به تبع سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری جهانی آن زمان یعنی نسخه نئولیبرالی اقدام کردند.

«؟ لطفا درباره مولفه‌های این نسخه بفرمایید.

از مولفه‌های نسخه نئولیبرالی تعدیل و خصوصی‌سازی است، البته در اینجا خصوصی‌سازی به معنای مردمی‌سازی نیست بلکه به معنای خاص‌سازی برای حلقه‌های سرمایه‌داران و طبقات فوقانی قدرت است. مولفه دیگر این است که دولت تمام مسؤولیت‌های اجتماعی خود را کنار می‌گذارد لذا آنچه در ایران امروز اعم از تنش آبی خوزستان، فاصله طبقاتی، گسترش فقر مطلق و فقر نسبی در جامعه، بحران بازسازی ثروت‌ها و پدیدآمدن یک قشررانت‌خوار و نوظهور از دل دولت می‌گذرد، تماماً نتیجه سیاست توسعه‌ای نئولیبرالی بعد از انقلاب است. بنابراین آقای جهانگیری حق دارد بگوید شکست خورده‌ایم. این سیاست کاملاً شکست خورده‌است.

«؟ توسعه بدون تقویت تولید و بازسازی عادلانه ثروت به فقر و تبعیض منجر می‌شود

سیاست توسعه نئولیبرالیسم یونان و برزیل را به بدبختی و ویرانی کشاند و آرژانتین را در دهه ۸۰ و ۹۰ و مکزیک را در دهه ۹۰ به‌دکارترین کشورها کرد؛ با این وضعیت بعد از انقلاب به جای این که نسخه بومی،عدالت‌محوروآرام‌خواه خود را بازسازی کنیم که ما را توانمند کند، سراغ همین سیاست توسعه نئولیبرال رفتیم. در حالی که باید بین بخش تولید و مصرف توازن ایجاد کرد و عدم توازن ساختاری را نیز از بین می‌بردیم؛ گام دوم نیز این بود که باید به بازسازی عادلانه ثروت اقدام می‌کردیم. هر مدل توسعه که این دوکن را نداشته، قطعاً منجر به شکست و ایجاد فقر می‌شد.

«؟ این توسعه در ایران پس از جنگ چه مسیری را طی کرد و چگونه به صدر آمد؟

اشتباه ما این بود که در دوره آقای هاشمی سیاست توسعه نئولیبرالی را انتخاب کردیم، در حالی که باید عکس آن یعنی سیاست‌توسعه‌ای را برمی‌گزیدیم که هدف‌آن دوشردن از وابستگی به نظام جهانی و سرمایه‌داری، تقویت تولید و بازسازی عادلانه ثروت بود اما هیچ یک از این دو هدف توسط سیاست توسعه‌ای نئولیبرالی آقای

هاشمی، کارگزاران و روحانی دنبال نشد؛ زیرا اساساً مدل نئولیبرالی اعتقادی به این مسائل ندارد. حتی دولت احمدی‌نژاد هم تا حدود زیادی این مدل سیاست توسعه نئولیبرالی را اجرا کرد. می‌توان گفت این سیاست از سال ۶۸ سیستماتیک در این کشور اجرا شده است و از این رو هیچ سیستم‌دار نئولیبرالی حق ندارد بگوید من مقیم‌نرینستم، آنها کاملاً مقصر هستند؛ چراکه بیش از سه دهه این سیاست را اجرا کردند و ساختارهای غلط حاصل کار آنهاست. پس این سیاست ریشه در سیاست‌های اقتصادی جهانی داشت و مدل نئولیبرالیسم اجرا شد تا منافع شرکت‌های چند ملیتی سرمایه داری را در فرآیند جهانی‌سازی نئولیبرال چه در کشورها، امپریالیستی و چه در کشورهای پیرامونی تأمین کند، وقتی این سیاست اجرا می‌شود بحران خشکسالی، آب، فاصله طبقاتی، مدیران نجومی، عدم توازن ساختاری چند برابری، گسترش بیکاری و فقر مطلق، انهدام توان قدرت امنیت شغلی نیروی کار ... را ایجاد می‌کند؛ لذا از همان زمان قابل فهم بود که مدل توسعه نئولیبرال چه بلایی برسر ما می‌آورد.

«؟ بعد از انقلاب اسلامی چه شد؟

ما باید بعد از انقلاب به دنبال طراحی نسخه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جدیدی می‌رفقیم تا شبه مدرنیته‌ای را که در ایران حاکم شده‌بود، درهم بشکنند. ولی بعد از انقلاب نه خودآگاهی، اراده و نه درک کافی و لازم را داشتیم و نه مسؤولان ما بعد از انقلاب در این مسیر قدم برداشتند تا ساخت اقتصادی و فرهنگی عوض شود. ما این کار را نکردیم، همچنان به گونه‌ای ساخت فرهنگی و ساخت اقتصادی شبه مدرن را بازتولید کردیم. **«؟ این بازتولید در چه مقطعی رخ داد؟**

این اتفاق در دو مقطع رخ داد؛ یکی در سال‌هایی که دولت مهندس موسوی برسرکار بود و از سال ۶۸ تا دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی با کمال تأسف به تبع نسخه اقتصادی جهانی سرمایه‌داری که نسخه نئولیبرالیسم شده‌بود، کاملاً ساخت اقتصادی فرهنگی ایران بر مبنای نئولیبرالیسم بازسازی شد. یعنی اقتصاد سرمایه‌داری شبه‌مدرن وابسته و نامتوازن و پیرامونی در ایران با بدترین نسخه ممکن یعنی نسخه نئولیبرالی بازسازی شد و آن را مدل توسعه‌ای نامیدند و از سال ۶۸ اولین برنامه توسعه‌ای ما تصویب و شروع به اجرا شد.

«؟ که نتیجه آن هم آشوب‌ها و اعتراضات دهه ۷۰ شد.
بله درست است. اولین نتیجه سال ۷۲ با رقم تورم ۴۴ درصد و اعتراضات خیابانی در اسلام‌شهر و مشهد

و غیره خودش را نشان داد.

«؟ چرا این روند اصلاح نشد؟

بعد از انقلاب در عرصه سیاسی استقلال پیدا کردیم و برحالی‌این سیاست با دولت آقای هاشمی شروع و در دوره خاتمی با تغییراتی و در دوره احمدی‌نژاد با انک تعدیلی ادامه یافت، هر چند در برخی موارد از این سیاست عبور کرد، در دوره آقای روحانی متأسفانه افراطی‌ترین شیوه ممکن و افراطی‌ترین روایت نئولیبرالیسم همراه با یک مدیریت بی‌مسؤولیت و بی‌انگیزه ادامه یافت؛ مدیرانی در دولت روحانی بر سرکار بودند که منافع شخصی را بر منافع ملی ارجحیت می‌دادند، لذا دولت روحانی افراطی‌ترین روایت ناکارآمد از سیاست توسعه نئولیبرالی را اجرا کرد؛ آنها حتی در انجام حداقل‌های نئولیبرالی هم به وظایف خود عمل نکردند. بنابراین شرایط امروز خوزستان و بلوچستان و فقر گسترده در جامعه نتیجه سیاست توسعه‌ای نئولیبرالی است که هاشمی‌رفسنجانی، کارگزاران، جریان اعتدال و توسعه و جبهه مشارکت و غیره اجرا کردند از این رو خوب است که حداقل یکی از این آقایان

وی با بیان این‌که عوامل موساد قصد داشتند از این تجهیزات در جریان اغتشاشات شهری و ترور بهره‌برداری کنند، تصریح کرد: رژیم صهیونیستی در مقطع برگزاری انتخابات نیز در چند نوبت قصد انجام اقدامات خرابکارانه در نقاط مختلف کشور داشت که با اقدام به‌موقع سربازان گمنام امام زمان (عج) از انجام این خرابکاری‌های تروریستی

اجتناب می‌کند این مدل شکست خورده‌است و باید از این مساله درس بگیریم.

«؟ یعنی ما نیازمند یک نسخه اسلامی - ایرانی هستیم؟

ما نیازمند یک نسخه عدالت‌محور بومی هستیم. اسلامی و ایرانی هم باید باشد ولی این نسخه را کشورهای دیگر نیز اجرا کردند. دریک مسائلی برزیل، در یک مسائلی آرژانتین و غیره این نسخه‌های بومی را اجرایی کردند. این کار سخت و خاص و شکستن شاخ غول نیست و کاملاً شدنی است. مدل توسعه‌ای ژاپن را ببینید. ژاپن به سمت مدل توسعه‌ای حرکت کرد اما نه با مدل توسعه‌ای نئولیبرالیسم! ما ناگزیریم به سمت نسخه جدید عدالت‌خواهانه بومی الهام‌گرفته از آموزه‌های اسلامی معطوف به شرایط ایران با محوریت انقلاب، عدالت‌خواهی، توانمندی‌های داخلی حرکت کنیم.

«؟ تلویحا این سبک توسعه اقتصادی در همان دهه ۷۰ وقتی با شکست روبه‌رو شد متوقف شد.
خیر، در سال ۷۴ متوقف نشد، بلکه کم‌رنگ‌تر شد، یعنی بحرانی که سیاست‌های اقتصادی آقای هاشمی و کارگزاران در جامعه ایران ایجاد کرد، منجر به این شد قدری آهسته‌تر این حرکت صورت بگیرد وگرنه در تمامی این سال‌ها تمام سیاست اقتصادی ما به صورت زیربنایی مدل نئولیبرالی است و تفاوتی نکرده است.

«؟ چرا این زیربنای نئولیبرالی تغییری نکرده‌است؟
مشخص است تیمی که مبانی نظری طرح توسعه را نوشت و تیمی که طرح توسعه را تئوریزه و اجرا کرد، در تمام لایه‌ها تابع سیاست‌های بانک‌های جهانی و صندوق بین‌المللی پول و توسعه نئولیبرالی بودند. باور اینها چنین مدلی بود و در اس آنها آقای هاشمی‌رفسنجانی بوده که این مدل را قبول داشت. دنبال این مدل اقتصادی بود. وقتی این اجرایی

شد طبقه سرمایه‌دار نوظهور از دل قوه مجریه به وجود آمد. وقتی فرآیند خصوصی‌سازی اجرایی شد این فرآیند تبدیل به این شد که بسیاری از کارخانه‌ها و تجارتخانه و شرکت‌ها غالباً بدون مناقصه یا با مناقصه‌های سوری و تشریفاتی به مدیران ترکیبی از مدیران داده شد. اتفاقی که افتاد اینها تبدیل به طبقه سرمایه‌دار شدند. مدل سرمایه‌داری شبه‌مدرن ایران در تولید سودزایی ندارد و طبیعی است به‌سرعت وارد بخش مسکن، دلالی، ناز و ... شد و در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کرد. اساساً سیستم سرمایه‌داری

ایران این چنین است که اگر لایه‌های فوقانی سرمایه‌داری قرار می‌گیرد در مدار حرکت سرمایه ایران به سمت اقتصاد جهانی است با اقتصاد جهانی همراه می‌شود. یعنی یک طبقه سرمایه‌داری در ایران ظهور کرد که منافع خود را با منافع امپریالیسم جهانی همسو و با منافع شرکت‌های بین‌المللی همراه می‌شود ... هنوز با برخی از این آقایان حرف بزنید این اعتقاد را دارند.

«؟ مثل آقایان نوبخت و روحنی‌نژادنی با نیلی که در این حوزه کتاب دارد و از موضع نئولیبرالی رسماً دفاع می‌کند.

آقای موسی غنی‌نژاد هنوز صحبت از مدل سرمایه‌داری نئولیبرالی می‌کند. مگر محمد قوچانی و ... از این مدل حمایت نمی‌کنند؟ کجا کارگزاران و سازندگی این مدل را نقض کرد؟ اینها این مدل را دنبال می‌کنند و به همین دلیل یک طبقه منتفع صاحب ثروت ایجاد شده و این رویه از دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی تا به امروز ادامه داشته است. اشتراک وزرا و مدیران دولت‌های موسوی، هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی و آقای روحانی را ملاحظه کنید، این مقایسه و بررسی، ترکیب روسای بانک مرکزی، برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و ... در این دولت‌ها کار سختی نیست.

«؟ این موضوع می‌تواند خطری برای دولت‌آتی باشد؟

بله، به همین دلیل آقای رئیسی باید دو کار بزرگ انجام دهد، یک؛ این تیم را کامل بشکند و یک تیم انقلابی و عدالت‌خواه و معتقد به قوانین بیابورد. دو؛ نسخه اقتصادی را باید تغییر ده‌ده که بسیار مهم است و نسخه‌ای را طراحی کند که کامل مغایر نسخه نئولیبرالی باشد. بر اساس این نسخه باید برنامه توسعه جامع نوشته شود.

بدنه مدیریتی و نسخه باید تغییر کند، بنابراین شرایط امروز خوزستان و بلوچستان و فقر گسترده در جامعه نتیجه سیاست توسعه‌ای نئولیبرالی است که هاشمی‌رفسنجانی، کارگزاران، جریان اعتدال و توسعه و جبهه مشارکت و غیره اجرا کردند از این رو خوب است که حداقل یکی از این آقایان

جولگیری و ضربه‌ای کاری به شبکه تروریستی موساد در منطقه وارد شد. مدیرکل ضد جاسوسی وزارت اطلاعات تصریح کرد: این تسلیحات شامل کلت کم‌ری، نارنجک، وینچستر، کلاش وفشنگ جنگی می‌شود که برخی از آنها همچون وینچستر و نارنجک برای به آشوب کشیدن اعتراضات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اگر یکی از این دو عوض نشود کار خراب است. هردو باید عوض و هردو باید انقلابی و آرمانگرا شود، هردو باید عدالت‌خواه و معتقد به توانمندسازی باشند. هردو باید ضد امپریالیستی شوند و از سیطره مدیران و نسخه نئولیبرالی رها شویم. باید مدل عبور از سرمایه‌داری را در پیش بگیریم. باید این مسیر را دور بزنیم و از آن خارج شویم. تا زمانی که در این مسیر حرکت کنیم به‌خصوص با این نسخه نئولیبرالی وضعیت همین است. سرمایه‌داری نسخه‌های گوناگون اعم از فاشیستی، نئولیبرالیسم کلاسیک و ... دارد، که نئولیبرالیسم بدترین مدل آن است. آقای رئیسی به این نکته هم باید توجه داشته باشد اگر بخواهیم برنامه توسعه‌ای ما را سازمان برنامه و بودجه، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها که همه نئولیبرالی هستند و اقتصاد سرمایه‌داری یاد گرفتند، بنویسند و اجرایی کنند در بر همین پاشنه می‌چرخد.

«؟ ارزیابی شما از این اعتراف تلخ و دیرهنگام آقای جهانگیری چیست؟

ببینید ایش جقدر شور شده است دیگر، وقتی شب است نمی‌توانید بگویید روز است. اگر ایشان باز معاون اول شوند همین رویکردها را پیش می‌گیرد و همین تیم را در خدمت خواهد گرفت.

«؟ یک حلقه کاملاً بسته که توسط تکنوکرات‌ها شکل گرفته‌است؟

دقیقا. این حلقه در زمان مهندس موسوی گذاشته شد و در سال ۶۸ این حلقه سیاست نئولیبرالی را اجرایی می‌کند. در نتیجه این اقدامات به پای انقلاب و نظام نوشته می‌شود درحالی‌که باید به پای سیاست‌های نئولیبرالی و همچنین به پای نولیرالیسمی که بر مجلس و نهادهای دیگر مسلط شد، باید نوشته شود. این آقایان در سال ۶۸ که به نام کارگزاران معرفی شدند و در قوه مجریه به قدرت رسیدند نگاه به غرب داشتند. هر چه اقتصاد جهانی و غرب می‌گفت آنها می‌گفتند درست است، مثل همین کاری که الان انجام می‌دهند. چطور الان فکر می‌کنند با هضم شدن در نظام جهانی و بستن به آمریکا می‌توان به توانمندی رسید؟ همین درک سراپا غلط را آن زمان هم داشتند. فکر می‌کردند چیزی که نظام جهانی و غرب می‌گوید درست است، بنابراین عیناً سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اجرا و حتی ما به‌دکار کردند. مسیری که اقتصاد جمهوری اسلامی به دلیل سیطره دولت مهندس موسوی در سال‌های اول و سیطره بروکرات‌های نولیرال، چه کارگزارانی، چه مشارکتی و چه عدالت و توسعه‌ای، ادامه مسیر توسعه‌ای زمان شاه را دنبال کردند. تصویر بهشتی و رویایی من و تویی از زمان شاه کاملاً غلط است. باید درباره این بحث کرد. کافی است به آمارهای آن زمان رجوع کنید و به روستاها و شهرهای کوچک ما در آن زمان رجوع کنید و به وضع بحرانی ما در دنیا رجوع کنید، به صف گوشت و کالاهای اساسی در سال‌های ۵۶-۵۵ مراجعه کنید، به قطع برق‌ها رجوع کنید، به این‌که برخی از شهرهای ما اصلاً آب نداشتند رجوع کنید. به نامتوازن بودن توسعه ما دقت کنید. خود آنها این نکته را بیان می‌کنند. به بیوگرافی و تاریخ شقایق دولتمردان رژیم پهلوی مراجعه کنید و ببینید چند نفر از این ناکارآمدی حرف می‌زنند. این مطالب را محمود فروغی عنوان می‌کند. دیگری که از چهره‌های سیاسی رژیم پهلوی هستند این مطالب را بیان می‌کنند. حرف‌های رسانه‌ای پروپاگاندا ی رژیم پهلوی را رها کنید. برنامه توسعه‌ای آن زمان هم بلا بر سر ما آورد. البته نئولیبرالی بدتر است. متأسفانه بعد از انقلاب کارگزاران و سازندگی نسخه نولیرالی را ایجاد کردند که فاجعه اندر فاجعه است.

«؟ پس به نوعی این صحبت عوام‌فریبی بود.

من نمی‌توانم این حرف را بزنم. می‌گویم آتش به اندازه‌ای شورا است که آتش‌ه‌هم مجبور است بگوید شورا است! این جزو بدیهیات است. اینها می‌گویند وضع بد است و ما فکر نمی‌کردیم وضعیت این چنین شود. درحالی‌که صد بار بسیاری به شما گفتند این مدل نه توسعه و عدالت می‌آورد نه کشور را توانمند می‌کند، چرا نمی‌دانستند؟ اقتصاددان‌های مختلفی چه در داخل سیستم چه به بیرون سیستم به شما تذکر دادند ولی گوش داده نشد.

